



فراخوان ارسال مقاله  
به یکی از معتبرترین کنفرانس های کشور

رئیس هیئت مدیره: مؤسسه طیف گستران فرهنگ

www.cfgucnf

تحت حمایت ارگان های دولتی  
تحت حمایت ویژه خبری

کنفرانس ملی

آینده پژوهی در جغرافیا و شهرسازی

(با نگاهی به بیانیه گام دوم انقلاب)

۲۵ بهمن ۱۴۰۱

www.cfgucnf.ir

## نگاهی بر اهمیت و مفهوم تعلیم و تربیت کودکان از دیدگاه قرآن کریم

فرزاد تات شه دوست

دانشجوی دکترای مهندسی برق کنترل دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار

farzadtat1992@gmail.com

رسول صفائی نمین

دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

dr.rasoulsafaei.n1994@gmail.com

سید محمدرضا شهابی

کارشناسی ارشد طراحی شهری دانشگاه آزاد واحد علوم تحقیقات تهران

MohamadrezaShahabi2015@gmail.com

فائزه سعیدی

پژوهشگر دکتری طراحی شهری دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات تهران

faezeh96saeidi@gmail.com

### چکیده

تعلیم و تربیت فرایندی است که ادمی را برای نحوه خاصی از حیات مهیا می سازد. این نحوه زندگی بر مبنای اصول، قواعد و راهبردهای از پیش تعیین شده شکل می گیرد که از طریق قرآن و شریعت به ادمی عرضه شده است. تعلیم و تربیت کودکان از منظر قرآن و احادیث، اهمیت خاصی در نظام آموزشی و تربیتی اسلام دارد. پرورش دینی از حقوق کودکان و از وظایف و مسیولیت های خطیر پدر و مادر در ارتباط با فرزندان است. پدران و مادران باید بکوشند این وظیفه بزرگ را انجام دهند. تربیت دینی به معنای آموزش و پرورش دینی است که می تواند نقش مهمی را در توسعه یک جامعه دینی و اسلامی ایفا کند. تبیین و مطالعه تعلیم و تربیت کودک از منظر قرآن و اسلام می باشد که باروش اسنادی شامل کتاب ها و مجلات منتشر شده، سایت های علمی معتبر، احادیث نبوی در امر تربیت و قرآن کریم تدوین شده است. مقاله فوق مروری می باشد و با استفاده از کتاب ها و مقالات معتبر جمع آوری شده.

واژگان کلیدی: تربیت کودکان، قرآن کریم، تعلیم و تربیت

## مقدمه

ضرورت و اهمیت تربیت دینی اهمیت شناختن و رعایت مسائل دینی و بایدها و نبایدهای آن، هم چون ضرورت واکسینه کردن جامعه در برابر بیماری هاست. توصیه هایی که در مسائل اخلاقی و تربیتی وجود دارد همان نسخه های زندگی است. از همین رو یکی از دلایل لذت نبردن از زندگی، عدم پای بندی به مسائل دینی و معنوی و در یک کلام، اخلاقی است. آنجا که اخلاق نباشد امکانات مادی و موقعیت های اجتماعی نیز زندگی را شیرین نخواهد کرد. هر کدام از دستورات عملی های دینی پیام خاصی دارد و برای پیش گیری و درمان بیماری های روحی بیان شده است. در واقع آیات و احادیث فرمول های زندگی هستند. اهداف و فواید تحقیق در اسلام هدف های تربیتی، مطابق با شأن انسان و هدف از خلقت آدمی است. (آذرنوش، 1381) هدف های تربیت اسلام را در تقویت اراده، عبادت و نیایش، محبت، تقویت حس حقیقت جوئی، جهاد و کار می داند، پس می توان گفت که مشابه هدف های ذکر شده، یکی از اهداف تعلیم و تربیت اسلامی، شناخت خود و پیرامون خود است. فرزندانمان را باید به گونه ای تربیت کنیم که مشتاقانه در پی کشف خود و محیط خود برآیند. که خوشبختانه از ابتدای تولد این ودیعه درونی یعنی جستجو و کشف محیط، به طور ذاتی در وجود ما نهفته است. مقدمه مبالغه نیست اگر بگوییم عمده ترین و اصلی ترین مسئله ی جامعه، تربیت است. تربیت یا به تعبیر قرآن کریم، تزکیه همان است که هدف بعثت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است و حتی قرآن کریم در دو مورد آن را بر تعلیم مقدم داشته و تنها در دعای ابراهیم خلیل، تعلیم را بر تزکیه مقدم داشته است. علامه طباطبائی (ره) فرموده است که بین تعبیرات قرآنی، در مورد تقدم تزکیه بر تعلیم یا برعکس آن منافاتی نیست، زیرا آیه هایی که تزکیه را بر تعلیم مقدم داشته، ناظر بر برنامه های اجرایی تزکیه و تعلیم است. بدیهی است که در مقام اجرای برنامه های تزکیه و تعلیم، باید تزکیه را بر تعلیم مقدم داشت تا شخصی که تحت تعلیم قرار می گیرد، ابتدا روح و قلب و عواطفش تزکیه شود و در سایه تزکیه اخلاقی و روحی، مسائل و مطالب علمی را فرا گیرد. اما به طور کلی، در مقام تحقق، تعلیم بر تزکیه مقدم است و در مقام اجرا تزکیه بر تعلیم. بنابراین آنجا که می گوئیم در مقام تحقق، علم و تعلیم مقدم است منظور این است که جهان بینی جنبه زیر بنایی، و اخلاق عملی جنبه رونمایی و بر زیربنای اخلاق و معنویت، باید اشخاص را تعلیم داد و اصولاً سلاح علم نباید به دست نااهل سپرده شود. به هر حال تربیت از وظایف مهمی است که در درجه اول متوجه والدین، و در درجه بعد متوجه همه کسانی است که به نحوی در سرنوشت انسان های دیگر به لحاظ اخلاقی و معنوی مؤثرند. اگر والدین در زناشویی، حُسن انتخاب داشته باشند قطعاً در تربیت فرزندان هم موفقترند و الا مشکل است بتوانند در تعلیم و تربیت و حل مشکلات تربیتی نوباوگان خود موفق باشند. تعلیم و تربیت همراه با تزکیه در جهان امروز که هر لحظه به سوی مدرنیته شدن روز افزون در حرکت است و فن آوری و پیشرفت علمی و حضور همه افراد از جمله فرزندان (استیمر، 1384) در دهکده جهانی و دنیای مجازی، از جمله تشویق های ذهنی والدین خصوصاً والدین مذهبی می باشد و مدیریت تربیت دینی و قرآنی فرزند و پیاده سازی آموزه های دینی و قرآنی، در کنار استفاده از امکانات پیشرفته و فن آوری های روز دنیا، بسیار حائز اهمیت است. امید است از این رهگذار برای هدایت افراد به سوی زندگی سالم و ایفای وظایف پدر و مادری، گامی هر چند کوچک برداشته شود. مسئولیت تربیت فرزند: الا کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: آگاه باشید که همه شما تا حدودی فرمانروا و نگهدارنده و در مورد فرمانبرداران خود مسئولید. زمامداران کشور فرمانروایان جامعه هستند و در برابر آن مسئول، مرد که رئیس خانواده است فرمانروای زن و فرزندان خویش است و در برابر آنان مسئول است، زن بر کودکان خود فرمانروا



و حاکم و نگهبان است و در برابر آنان مسئولیت دارد. امام سجاد (ع) در ضمن حقوق فرزند فرموده است: پدر در حکومتی که بر فرزند دارد مسئول است که طفل را مؤدب و با اخلاق پسنندیده پرورش دهد و او را به خداوند بزرگ راهنمایی کند. 1- تکریم و احترام به کودک احترام و تکریم شخصیت انسان یکی از شیوه‌های تربیتی آیین حیات بخش اسلام است و آموزه‌های قرآنی برپایه و اصول احترام به انسان و کرامت انسانی بنا نهاده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم، انسان را مورد تکریم و ستایش خود قرارداده، می‌فرماید: ما فرزندان آدمی را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا بر مرکب‌های راهوار سوار کردیم و از انواع غذاهای پاکیزه به آنان روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات برتری بخشیدیم.» از نظر اسلام کودکان و نوجوانان هم شایسته کرامت و احترام هستند و باید به احساسات آنان احترام گذاشت. والدین در این خصوص وظیفه مهم و خطیری برعهده دارند (اصفهانی، 1388) آنان باید شخصیت کودک را مورد توجه قرار داده، براساس اصل کرامت و حرمت انسان با او رفتار کنند. امیرالمؤمنین علی(ع) می‌فرماید: «با بچه هایتان به گونه‌ای برخورد کنید که آنها خودشان را کریم و با شخصیت بدانند.» تکریم کودک باعث به وجود آمدن احساس شخصیت و عزت نفس، پذیرش سخنان و آموزش‌های والدین؛ جلوگیری از سقوط در ورطه بزهکاری و گناه، جلوگیری از احساس خودکم بینی و جلوگیری از نفاق و دورویی در وی می‌شود. سلام کردن به کودکان از سنن پیامبر اکرم (ص) و یکی از مصادیق تکریم فرزندان است که سبب به وجود آمدن شخصیت و ایجاد استقلال در آنان می‌شود. کودکی که بزرگسالان به او سلام کنند و بدین وسیله به او احترام گذارند، لیاقت و شایستگی خود را باور می‌کند. امام رضا(ع) از پیامبر خدا (ص) نقل فرمودند: «پنج چیز است که تا لحظه مرگ آنها را ترک نمی‌کنم، یکی از آنها سلام گفتن به کودکان است و در انجام این عمل مراقبت می‌کنم.» کودکانی که از همان کودکی با تربیتی اسلامی و با ایمان به خدا تربیت می‌شوند، دارای ایمانی قوی و روحیه و اراده‌ای نیرومند خواهند شد. آگاهی جوان از دین در تربیت او نقشی مهم دارد. امام علی(ع) به فرزندش امام حسن (ع) فرمود: قلب کودک نورس مانند زمین خالی و آماده کشت است. هر تخمی که در آن کاشته شود، قبول کرده و پرورش می‌دهد. فرزند عزیزم! من از دوران کودکی تو استفاده کردم و قبل از آنکه دل تربیت پذیر تو، سخت شود و عقلت را مسائل دیگری به خود مشغول کند به تربیت و تعلیم تو اقدام کردم.» طبق این فرمایش، بهترین دوران تربیت و عالی‌ترین فرصت برای فراگرفتن راه صحیح زندگی همان ایام طفولیت می‌باشد؛ زیرا قدرت تقلید و مقایسه و حس قبول آموزش زندگی در کودکان و نوجوانان خیلی بیشتر از بزرگ ترهاست. والدین باید در این زمینه به گونه‌ای عمل کنند که فرزندان‌شان احساس آزادی کنند. شهید مطهری می‌فرماید: بعضی مردم در خودشان احساس ناراحتی می‌کنند... این گونه اشخاص باید بدانند که قطعاً احتیاجات معنوی دارند که برآورده نشده است. بالاخره باید اعتراف کنند به این حقیقت که ایمان هم یکی از حوائج فطری و تکوینی ماست و بلکه بالاترین حاجت ماست. و هر وقت به سرچشمه ایمان رسیدیم و نور خدا را مشاهده کردیم معنای سعادت و لذت و بهجت را درک می‌کنیم. تربیت کامل کودک تربیت کامل یعنی تربیت با برنامه، انجام این کار بر: کنش نه واکنش، دانش نه شانس، فکر کردن نه عصبانیت، عقل سلیم نه بی منطقی، استوار است. درست همانطور که ازدواج کامل به این معنا نیست که همسران انسان‌هایی کامل هستند، منظور از تربیت کامل نیز این نیست که پدر یا مادر می‌توانند حتی با تلاش زیاد، کامل باشند. تربیت کامل «روندی» است که طی آن والدین با تمام نقاط قوت و ضعف خود به عنوان یک انسان، نهایت تلاش خود را در تربیت فرزندان‌شان، مسئول و شاد به کار می‌گیرند. پرورش فرزند، کار پیچیده‌ای است. در برخی موارد پدر یا مادر می‌توانند از کمک یا ایده‌ای جدید استفاده کنند. اولین گام برای مسئول بودن این است که والدین به خودشان





اجازه بدهند که مراقب باشند و کم کم از فرزندان توقع داشته باشند تا از آنها اطاعت کنند. با این اساس محکم، ارتباطی توأم با عشق و اعتماد به بچه ها برقرار می شود و حتی مهمتر از این، می توان فرزندان را در آینده به بزرگسالانی که دارای ارزشها، درایت و مهارتهای زندگی است تبدیل کرد. وظایف تربیتی والدین انتخاب نام شایسته انتخاب نام خوب برای کودک امری بسیار مهم و حساس است که تأثیر زیادی بر شخصیت و روح و روان او دارد، نام زیبا و شایسته، نماد هویت و شخصیت آینده هر فرد و مایه افتخار و مباهات وی خواهد بود. رسول خدا(ص) انتخاب نام نیک را از حقوق فرزند بر گردن پدر می دانست و می فرماید: «فرزندانان را به نام انبیا اسم گذاری کنید.» مهر و محبت اساس موفقیت خانواده و از مؤثرترین روش های تربیتی است که در فرهنگ اسلامی به آن توجه خاصی شده است، اسلام دستور داده که پدر و مادر باید براساس محبت فرزندان را تربیت کنند. چنانکه پیامبرگرامی اسلام(ص) نیز می فرماید: «کودکان را دوست بدارید و نسبت به آنها مهربان باشید.» کودک بیش از هرکس تشنه محبت والدین خود می باشد. کودکی که در کانون مهر و محبت والدین خود پرورش یافته است دارای آرامش روانی، امنیت خاطر، اعتماد به نفس، اعتماد به والدین، الگوگیری در مهرورزی به دیگران و پیشگیری از انحرافات است(باقری، 1380) و بهتر می تواند با مشکلات و حوادث سهمگین دوران بلوغ و تغییرات جسمی و روانی رو به رو گردد و با آرامش و اطمینان قدم به عرصه اجتماع گذارد. ارتباط عاطفی با فرزند موجب می شود که وی با والدین خویش صمیمی باشد، به آنان اعتماد کند و آنان را پناهگاه خویش در بحران های زندگی بداند. خداوند در قرآن کریم، خطاب به پیامبرش می فرماید: «به خاطر رحمت خدا بود که تو با آنان ارتباط صمیمی و مهرآمیزی پیدا کردی، اگر خشن بودی، هیچ کس دور تو جمع نمی شد.» در این میان والدین بسیاری هستند که به فرزندان خود محبت فراوان دارند اما آن را ابراز نمی کنند. محبت وقتی سازنده و تأثیرگذار خواهد بود که فرد مورد محبت از آن آگاهی یابد؛ این نیاز، را می توان به شکل های گوناگون از جمله بوسیدن کودک، در آغوش گرفتن، گفتن جملات زیبا و محبت آمیز، خریدن هدیه و اسباب بازی و... برآورده کرد. نقش خانواده: همه می دانیم که مهم ترین پایگاه تربیت فرزند، خانواده است و بیشترین ابراز در اختیار این نهاد است پابندی والدین به اخلاقیات - البته در عمل و نه فقط در گفتار - مهم ترین کانال انتقال اینگونه مفاهیم ارزشمند به نسل آینده است. مهم ترین عامل تداوم و ماندگاری روحیه دینداری نوجوانان و جوانان، خود والدین هستند چنانچه کودک، انجام امور دینی را به طور مرتب و مستمر در خانه شاهد باشد، در سنین بالاتر برای اجرای آن ها مشکل کمتری خواهد داشت. لذا داشتن وحدت رویه در رفتارهای والدین، بسیار ضروری است و والدین نباید گفته ها و رفتارهای یکدیگر را در برابر کودک نفی کنند. از رسول خدا نقل است که فرمود: «خداوند رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکوکاری به فرزند خویش کمک کند. راوی پرسید چگونه؟ حضرت فرمود: آن چه را که کودک در قوه و قدرت داشته و انجام داده است از او قبول کند، او را به گناه و طغیان وادار نکند، به او دروغ نگوید و در برابر او مرتکب اعمال احمقانه نشود.»(بیهقی، 1390) اهمیت تربیت خانواده در قرآن و حدیث خداوند متعال در سوره فرقان یکی از ویژگی های بندگان راستین را توجه خاص به تربیت فرزند و و خانواده خویش می داند تا آن جا که آنها برای خود در برابر آنها احساس مسئولیت فوق العاده ای می کنند چنان که می فرماید: «آنها پیوسته از درگاه خدا می خواهند و می گویند پروردگارا از همسران و فرزندان ما کسانی قرار ده که مایه روشنی چشم ما گردد» مسلما چنین افرادی آنچه در توان دارند در تربیت فرزندان و همسران و آشنایی آنها به اصول و فروع اسلام و راه های حق و عدالت، فروگذار نمی کنند و در آنجا که دستشان نمی رسد دست به دامن لطف پروردگار می زنند و دعا می کنند. همچنین در آیه شش سوره التحريم خيرخواهی برای اعضای خانواده و تربیت دینی آنان

را تکلیفی بایسته برعهده مومنان دانسته، روی سخن را به همه مومنان کرده و دستوراتی درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آنها می دهد و می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید! خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان ها و سنگ ها هستند نگاهدارید.» نگهداری خویشتن به ترک معاصی و عدم تسلیم در برابر شهوات سرکش است، و نگهداری خانواده به تعلیم و تربیت و امر به معروف و نهی از منکر و فراهم ساختن محیطی پاک و خالی از هرگونه آلودگی، در فضای خانه و خانواده است. این برنامه ای است که باید از نخستین سنگ بنای خانواده، یعنی از مقدمات ازدواج، و سپس نخستین لحظه تولد فرزند آغاز گردد، و در تمام مراحل با برنامه ریزی صحیح و با نهایت دقت تعقیب شود. به تعبیر دیگر حق زن و فرزند تنها با تأمین هزینه زندگی و مسکن و تغذیه آنها حاصل نمی شود، مهم تر از آن تغذیه روح و جان آنها و به کار گرفتن اصول تعلیم و تربیت صحیح است. از آیه فوق، و روایاتی که درباره حقوق فرزند و مانند آن در منابع اسلامی وارد شده، به خوبی استفاده می شود که انسان در مقابل همسر و فرزند خویش مسئولیت سنگین تری نسبت به دیگران دارد، و موظف است تا آنجا که می تواند در تعلیم و تربیت آنها بکوشد، آنها را از گناه بازدارد و به نیکی ها دعوت کند، نه اینکه تنها به تغذیه جسم آنها قناعت کند. فصل دوم- موارد تربیت دینی: محتوی آموزش دینی بعد از دو سالگی که تکلم کودک کامل می شود، عبارت است از: آموزش صلوات و ذکر «لا اله الا الله»، ایجاد محبت به پیامبر (ص) و اهل بیت علیهم السلام، بیان خوبی‌ها و بدی‌ها، مشاهده نماز و مناجات والدین با پروردگار که در مورد شیوه های انتقال این مفاهیم توضیح مختصری خواهیم داد. پیامبر اکرم (ص) می فرماید: «وقتی فرزندان شش ساله شدند، امر کنید نماز بخوانند. وقتی هفت ساله شدند، در این باره بیشتر تأکید کنید. امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «وقتی بچه هفت ساله شد، به او بگوئید دست و صورتش را بشوید و نماز بخواند ولی هنگامی که نه ساله شد، وضوی کامل را به او یاد بدهید و دستور اکید بدهید که نماز بخواند.» مکانهای مذهبی نیز در تربیت دینی، اهمیت ویژه دارند. عزیمت کودکان و نوجوانان با والدینشان به اماکنی همچون زیارتگاه ها، مساجد، مقبره بزرگان دینی و... در شکل گیری روحیه مذهبی و پذیرفتن تربیت دینی نقش بسزایی دارد. نباید نگران بود که با این برنامه ها و سفرها، فرزندان ما «خشک مقدس» بار می آیند.

#### مبانی تحقیق

زبان قرآن یکی از مباحث مهم علوم قرآنی است که نظریات گوناگونی درباره آن ارائه شده است. به نظر می رسد مهم تر از همه، ارتباط زبان قرآن با حوزه تعلیم و تربیت است که در این زمینه از آن کمتر سخن به میان آمده است. به دلیل آنکه قرآن کریم منبع اصلی نظام اسلامی در همه شئون آن به شمار می رود و همه مسلمانان با دید مثبت به آن می نگرند و به تمامی گزاره های قرآنی باور دارند، بررسی جنبه های گوناگون آن در رشته های مختلف علوم بشری لازم و ضروری می نماید. هرچند برخی از ابعاد زبان قرآن و رابطه آن با دانش های ذی ربط تا حدی تبیین شده، ولی بسیاری از اندیشه های قرآنی هنوز آن گونه که شایسته است، مورد بررسی قرار نگرفته است. به ویژه در باب تعلیم و تربیت، با آنکه قرآن برای پرورش و هدایت انسان نازل شده و مهم ترین وظیفه پیامبر هم تعلیم و تربیت است، کاری اساسی صورت نگرفته و لازم است مورد توجه کارشناسان مربوطه قرار گیرد. (جوادی، 1378)

این نوشتار به نوبه خود، درصدد است تا ضمن اشاره به گونه های زبان قرآن، به تبیین رابطه آن با حوزه تعلیم و تربیت پردازد و بعضی از جنبه های پنهان آن را آشکار سازد. بر این اساس، مفهوم شناسی زبان، زبان قرآن، جنبه های گوناگون زبان قرآن، ارتباط زبان قرآن با تعلیم و تربیت و استنباط مفاهیم کلیدی تعلیم و تربیت از قرآن مورد بحث قرار می گیرد. به دلیل پرهیز از اطاله سخن در هر



مورد، فقط به یک نمونه بسنده شده است. این نوشتار بیشتر بر اندیشه قرآنی شهید مطهری در باب زبان قرآن و ارتباط آن با تعلیم و تربیت تکیه دارد.

### گونه‌های زبان قرآن

در حوزه بیان قرآن، نمی‌توان از یک نوع زبان سخن گفت، بلکه به جای آن، باید زبان ترکیبی در گفتار قرآن را مطرح کرد و آن را با عنایت به شیوه‌های خاص بیان قرآنی تبیین نمود. در اینجا، لازم است به مهم‌ترین جنبه‌های زبان، که در آیات قرآن تجلی یافته است، اشاره شود:

1. ظاهر و باطن: زبان قرآن دارای جنبه ظاهر و باطن است؛ ظاهرش برای بیشتر مخاطبان قابل درک است و الفاظ موجود در قرآن عهده‌دار بیان آن هستند. اما باطن قرآن فراتر از الفاظ و کلمات، نیاز به دقت و تأمل بیشتری دارد و هر کس نمی‌تواند بدان راه یابد، عده خاصی می‌توانند به تأویل‌های قرآن دست یابند که در قرآن از آنان به «راسخان در علم» تعبیر شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌در توصیف قرآن می‌فرماید: «و له ظهر و بطن؛ فظاهره حکمه و باطنه علم، ظاهره انیق و باطنه عمیق»؛ برای قرآن ظاهری و باطنی است؛ ظاهرش حکمت و باطنش علم است، ظاهرش زیبا و باطنش ژرف و ناپیداست.

2. منطقی و استدلال: قرآن در بسیاری از موارد، با زبان استدلال با مخاطبان سخن می‌گوید و مطالبش را از راه برهان و منطقی ارائه می‌دهد؛ چنان‌که در باب توحید می‌فرماید: «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا». به فرموده شهید مطهری در اینجا قرآن یک قضیه شرطیه تشکیل داده که عبارت است از: مقدم (وجود آله در زمین و آسمان) و تالی (فساد زمین و آسمان). اما نتیجه را به فکر و اندیشه مخاطب واگذار نموده که اگر به عقلش مراجعه کند و درباره آن تأمل و تدبّر نماید، به یقین، به وحدانیت خدای متعال پی خواهد برد.

3. حقیقت و مجاز: اصل در کلام هر گوینده‌ای، به ویژه خدای متعال، حمل بر حقیقت است؛ ولی در برخی موارد، به دلیل وجود قراین عقلی یا نقلی، اراده معنای مجازی نیز جایز است. در قرآن کریم نیز اراده معنای غیرحقیقی وجود دارد که با نظر به قراین، می‌توان آن را فهمید؛ مانند «وَيَبْقَى وَجْهُ رَبِّكَ» به دلیل آنکه اطلاق کلمه «وجه» به معنای حقیقی آن، یعنی «صورت»، بر خدای متعال جایز نیست، از این‌رو، با استفاده از قرینه عقلی، باید واژه «وجه» را به «ذات» معنا کرد و گفت: ذات پروردگار باقی است. سیوطی بر این اساس، آورده است: کلمه «وجه» در خدای متعال، به معنای حقیقی به کار نرفته، بلکه معنای مجازی آن مراد است که ذات پروردگار باشد؛ یعنی ذات حق تعالی باقی است. (حسینی، 1376)

4. تشبیه و استعاره: استفاده از تشبیه و استعاره یکی از جنبه‌های مهم زبان قرآن است که در بسیاری از موارد، مشاهده می‌شود. این کار از محاسن گفتار و یکی از اسباب فصاحت و بلاغت در زبان قرآن به شمار می‌آید. قرآن کریم برای تعلیم مخاطب، در مواردی از این روش گفتاری بهره برده است؛ همچون تشبیه عالمی که به علمش عمل نمی‌کند، به حمار: «كَمَثَلِ الْحِمَارِ يَحْمِلُ أَسْفَارًا» (داستان کسانی که حامل تورات بودند و آن را به کار نداشتند).

همچنین استعاره، یعنی ارائه مطلبی از زاویه دید شیئی دیگر، در زبان قرآن وجود دارد؛ مانند: «فَأَصْدَعُ بِمَا تُؤْمَرُ». به گفته سیوطی واژه «صدع» در لغت، به معنای شکستن شیشه است که در این آیه از باب استعاره، به معنای تبلیغ به کار رفته است. به قرینه آنکه تبلیغ و شکستن شیشه هر دو تأثیرگذارند، ولی تأثیر اولی بیشتر از دومی است، از این‌رو، در مقام تبلیغ، از کلمه «صدع» استفاده کرده است.





5. احساسات و عواطف: قرآن در بیان مطالب خود، زبان دیگری به نام زبان احساس و عاطفه نیز دارد و مخاطب این زبان دل انسان است که با تلاوت و شنیدن آیات قرآن متأثر می‌گردد؛ زیرا گزاره‌های دینی و قرآنی افزون بر ارائه معارف، احساسات خاصی در انسان‌های متدین پدید می‌آورند که از هیچ واقعیت عینی و واقعی و نفس‌الامری حکایت نمی‌کنند، جز احساسات درونی. نمونه‌های فراوانی از تحریک احساسات در افراد مشاهده می‌شود که در اثر قرائت و استماع آیات قرآن، در آنها پدید آمده و موجب تحوّل درونی آنان شده است.

موسوی همدانی مترجم تفسیر المیزان می‌نویسد: وقتی در تفسیر قرآن به آیات رحمت یا غضب و یا توبه برمی‌خوریم، ایشان (علّامه طباطبائی) دگرگون می‌شد و در مواقعی، سرشک از دیدگانش جاری می‌گردید. در یکی از روزهای زمستانی که زیر کرسی نشسته بودیم، من تفسیر فارسی را می‌خواندم و ایشان عربی را. بحث در باب «توبه» و رحمت پروردگار بود. تأثر ایشان در این موقع، به حدی بود که نتوانست به گریستن بی‌صدا اکتفا کند و با صدای بلند شروع کرد به گریه کردن و اشک ریختن و سرش را پشت کرسی کرد و به گریه‌ادامه داد. (دهخدا، 1338)

قصه و تمثیل: بیان مطالب عمیق دینی و عقلی یا علمی در قالب مثل‌های معروف و قابل فهم برای مخاطبان از دیگر جنبه‌های زبان قرآن است که به وفور در آن به کار رفته. خداوند خطاب به پیامبر می‌فرماید: «فَأَقْصِبْ أَلْقَصَبَ أَعْلَهُمْ يَتَفَكَّرُونَ»؛ این داستان‌ها را برای آنان بازگو کن، شاید بیندیشند و بیدار شوند. در باب تمثیل هم می‌فرماید: «وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ»؛ ما برای مردم در این قرآن از هرگونه مثال و مطلبی بیان کردیم.

5. رمز و اشاره: بیان محتوای عمیق دینی به شیوه رمز و اشاره در قالب سلسله الفاظی که حاکی از معانی دیگری هستند و باید از آن کلمات و رموز عبور کرد و به معناهای محکی و واقعی دست یافت. طرف‌داران رمزی بودن زبان قرآن با نگرش‌های گوناگونی در این زمینه، بر این امر اتفاق نظر دارند که معنای ظاهری آیات قرآن مراد جدی خداوند نیست و آن الفاظ و عبارات رموزی حاکی از معانی دیگری هستند. از این‌رو، آنان به تغییر و تأویل معناهای ظاهری قرآن دست می‌زنند.

7. عرف خاص: هرچند قرآن به زبانی قابل فهم برای همه مردم سخن می‌گوید، ولی در تبیین مفاهیم و ارائه مطالب، زبان خاص خود را دارد که دارای اصطلاحات و روشی ویژه در فهم و تفسیر آیات است. به نظر علّامه طباطبائی زبان قرآن عرف خاص است که عبارت از روش قرآن به قرآن و شیوه فهم و تفسیر آیات با استفاده از آیات دیگر است؛ چراکه قرآن بیانگر همه چیز است. پس چگونه بیان‌کننده خود نباشد؟!

8. جدل: «جدل» به معنای بحث و گفت‌وگو به منظور غلبه بر طرف مقابل، و در اصطلاح، سخن گفتن با مسلّمات عندالخصم، در قرآن به کار رفته است. داستان حضرت ابراهیم علیه‌السلام و گفت‌وگوی او با بت‌پرستان و شیوه بیان ایشان نمونه‌ای از جدال احسن است که در قرآن کریم آمده و خداوند به استفاده از آن دستور داده است. بر این اساس، یکی از جنبه‌های زبان قرآن شیوه جدال و گفت‌وگو به نوعی است که بتوان با استفاده از مقبولات خصم، بر او غلبه یافت و وی را قانع و تسلیم حق کرد.

9. تعلیم: زبان قرآن زبان تعلیم و آموزش معارف الهی به انسان است. از این‌رو، به نخستین انسان، یعنی حضرت آدم علیه‌السلام معلم اسرار آفرینش و نام‌گذاری موجودات را آموخت. تکرار فراوان مشتقات واژه «علم» در آیات متعدد قرآن، گواه بر آن است که مهم‌ترین

جنبه زبان قرآن زبان تعلیم و یاد دادن و یاد گرفتن است. وظیفه مهم پیامبر تلاوت آیات و تعلیم کتاب خدا به مردم و وظیفه مردم نیز فراگرفتن معارف قرآن از آن حضرت بوده است.

10. تربیت: پرورش انسان مهم‌ترین جنبه زبانی قرآن است که به شیوه‌های گوناگون به اجرای آن پرداخته و در حقیقت، می‌توان گفت: هدف اصلی قرآن تربیت افراد بشر بوده است. هرچند قرآن کریم در زمینه‌های گوناگون علوم انسانی سخن گفته است، ولی نمی‌توان پذیرفت که زبان قرآن زبان اقتصاد، روان‌شناسی، حقوق یا جامعه‌شناسی است؛ اما می‌توان به این امر اذعان کرد که زبان قرآن زبان تربیت است و قرآن برای پرورش انسان‌ها نازل شده؛ زیرا همه آیات قرآن دارای پیام تربیتی است.

زبان قرآن در اندیشه شهید مطهری در جلد اول کتاب آشنایی با قرآن، بحثی را با عنوان «شناخت زبان قرآن» مطرح کرده و به تفصیل درباره آن سخن گفته است. به نظر ایشان، قرآن با زبان‌های گوناگون سخن می‌گوید؛ چراکه مخاطب قرآن بشر است و او جنبه‌های گوناگون دارد و در جهت تربیت او، باید متناسب با ویژگی‌های وی سخن گفت. (ساجدی، 1383)

به فرموده شهید مطهری، گاه مخاطب قرآن عقل انسان است و اینجا با زبان منطقی و استدلال سخن می‌گوید؛ چنان‌که بسیاری از آیات قرآن مکرر به تفکر، تعقل، تدبیر، تأمل و امثال آن دعوت می‌کنند و و این دسته از آیات ناظر به رشد فکر و اندیشه انسان هستند. دعوت به تفکر در خلقت زمین و آسمان در همین زمینه قابل تفسیر است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ»؛ مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌های روشنی برای خردمندان است. همچنین دعوت به تدبیر در خود قرآن و درک انسجام آن عامل رشد عقل و زمینه پیدایش ایمان به قرآن و اسلام است: «أَفَلَا يَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ وَكَوْكَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»؛ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند، و اگر از سوی غیرخدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند؟ درک این مطلب که عدم اختلاف در قرآن دلیل وحیانی بودن آن است، با تدبیر و تعقل قابل حصول است، نه با حس و تجربه و یا هر دلیل دیگر.

گاه مخاطب قرآن دل انسان است و می‌خواهد با قلب او سخن بگوید و دل وی را متحوّل سازد. شهید مطهری در این زمینه می‌نویسد: قرآن بجز زبان استدلال، زبان دیگری نیز دارد که مخاطب آن عقل نیست، بلکه دل انسان است و این زبان دوم «زبان احساس» نام دارد. منظور از «دل»، احساس بسیار عظیم و عمیقی است که در درون انسان وجود دارد و آن، ارتباط فرد با هستی مطلق است. به فرموده ایشان، زبان دل، یعنی زبان فطرت که یکی از متعالی‌ترین احساسات هر انسانی حس مذهبی و فطرت خداجویی اوست. سروکار قرآن با این حس شریف است و می‌خواهد آن را تسخیر کند. اگر دل انسان تسخیر شد، آن‌گاه نه تنها فکر و مغز او، بلکه سراسر وجودش تحت تأثیر قرار می‌گیرد. (سیوطی، 1363)

بنابراین، در باب تبیین زبان قرآن، نمی‌توان از زبان واحد سخن گفت، بلکه قرآن دارای زبانی است با گونه‌های متفاوت که دو نوع آن در کلام شهید مطهری مورد تأکید قرار گرفته. بر این اساس، می‌توان گفت: به نظر شهید مطهری، قرآن دارای زبان ترکیبی است با جنبه‌های گوناگون که به فراخور استعداد مخاطبان سخن می‌گوید تا هیچ‌یک از آنان، اعم از عالم، فیلسوف، متوسط و سطح پایین، از قرآن احساس بی‌نیازی نکنند. این زبان اختصاص به نوع خاصی ندارد، بلکه زبانی است با ابعاد گوناگون بیانی که به برخی آنها اشاره شد. تدبیر در آیات و روایات و تفاسیر قدیم و جدید نیز این مطلب را نشان می‌دهد که قرآن در بیان مطالب خود، دارای ابعاد متعدد است و در تبیین معارف الهی از زبان‌ها و شیوه‌های گوناگون بهره برده.





زبان قرآن و تعلیم و تربیت آیا زبان قرآن ارتباطی با تعلیم و تربیت دارد؟ اگر ارتباط دارد، رابطه آن دو چگونه است؟ آیا می توان مباحث کلیدی، مانند مبانی، اصول، اهداف و روش های تعلیم و تربیت را از قرآن استخراج کرد؟ آیا قرآن در زمینه ابعاد و مراحل تعلیم و تربیت سخنی دارد؟ ناگفته پیداست که بررسی همه جانبه این موضوع و پاسخ تفصیلی به سؤال های یادشده فراتر از ظرفیت این نوشتار است و به فرصتی دیگر موکول می گردد، ولی به طور گذرا می توان به مسائل مطرح شده اشاره کرد:

الف. ارتباط زبان قرآن با تعلیم و تربیت قرآن رابطه عمیقی با دو حوزه تعلیم و تربیت دارد، به گونه ای که می توان گفت: زبان قرآن، زبان آموختن، یاد گرفتن و پرورش انسان هاست. شهید مطهری می فرماید: قرآن را باید به قصد آموختن و تعلیم یافتن مطالعه کرد؛ چراکه یکی از وظایف مهم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و آلهو زبان قرآن یاد دادن و تعلیم دادن انسان هاست و وظیفه اسلامی نیز اقتضا دارد که مردم معارف بلند قرآن را بیاموزند. بر این اساس، نخستین آیتی که بر پیامبر نازل شد، ایشان را به خواندن دستور داد و از «قلم» نام برد که نماد سواد و نوشتن است. قرآن کریم به شیوه های گوناگون به امر تعلیم پرداخته و درباره آن سخن گفته است؛ گاه از راه بیان ارزش علم و حکمت و گاه از طریق بیان برتری صاحبان علم. (طباطبائی، 1382)

قرآن بر تربیت نیز تأکید فراوان دارد و از منظر تربیتی می توان گفت: قرآن برای پرورش افراد بشر فرود آمده است؛ زیرا همه آیات قرآن دارای پیام تربیتی هستند و آیه ای در قرآن وجود ندارد که ناظر به تربیت انسان نباشد. آیات احکام، آیات مربوط به مبدأ و معاد، خانواده و اجتماع، قصه و سرگذشت امت های پیشین، همه دارای جنبه تربیتی هستند و به بعدی از ابعاد تربیت اشاره دارند. از اینجاست که خداوند درباره قرآن می فرماید: «هُدًی لِلنَّاسِ»؛ قرآن برای هدایت و تربیت مردم نازل شده است.

هرچند واژه «تربیت» در قرآن به کار نرفته، و از ریشه آن فقط دو بار به معنای تربیت انسان در تمام قرآن آمده است (یکی به شکل فعل ماضی، و دیگری در قالب فعل جحد)، ولی واژه هایی همچون «هدایت»، «تزکیه» و «تطهیر» فراوان در قرآن به کار رفته اند که بیانگر کاربست قرآن در عرصه تربیت انسانی اند. شهید مطهری بر این باور است که قرآن غذای روح است و بر این اساس، دل انسان را مورد خطاب قرار می دهد و می خواهد آن را با آیات خود صیقل بزند و تصفیه کند و به هیجان درآورد؛ چنان که داستان زندگی پیامبر گواه این امر است؛ زیرا آن حضرت تنها با سلاح قرآن قیام کرد و همین قرآن برای او همه چیز بود و توانست در اندک زمانی، تحوّل عظیمی در جهان ایجاد کند. (کلینی، 1393)

به نظر می رسد قرآن با حوزه تعلیم و تربیت بیش از دیگر رشته های علمی (علوم انسانی) ارتباط دارد. گرچه قرآن کریم در موضوعات متعدد علمی سخن گفته و حتی مسائل عقلی صرف، در آن آمده است، ولی نمی توان قرآن را به نام یکی از دانش ها تعبیر کرد و گفت - مثلاً - کتاب اقتصاد یا حقوق؛ چراکه شأن قرآن و فلسفه نزول آن اقتضای بیان تفصیلی دانش های علمی را ندارد تا پذیرای چنین تعبیراتی باشد. اما تعلیم و تربیت انسان چیزی است که با شأن قرآن همخوانی دارد و شاید بتوان مدعی شد که مهم ترین فلسفه نزول قرآن پرورش روحی و معنوی افراد بشر است؛ زیرا فلسفه نزول قرآن نمی تواند جدایی از فلسفه بعثت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله باشد. خداوند در آیات متعدد قرآن، هدف و فلسفه رسالت پیامبر را تعلیم و تربیت معرفی کرده است. بنابراین، ارتباط زبان قرآن با تعلیم و تربیت روشن است و می توان ادعا کرد که تمام احکام و دستورات اسلام، مربوط به تعلیم و تربیت انسان است و هدف از تشریح آن پرورش افراد بشر و سوق دادن آنها به کمالات روحی و معنوی، که پیامبر به عنوان مجری این برنامه فرستاده شده اند.



ب. چگونگی ارتباط زبان قرآن با تعلیم و تربیت پس از تبیین رابطه زبان قرآن با تعلیم و تربیت، لازم است چگونگی ارتباط آن دو روشن شود و معلوم گردد که چه نوع رابطه‌ای میان آن دو برقرار است. پیش از پرداختن به موضوع، توجه به این نکته ضروری می‌نماید که وقتی در باب ارتباط زبان قرآن با تعلیم و تربیت بحث می‌شود، منظور تعلیم و تربیت اسلامی است که بیشتر به پرورش جنبه معنوی انسان توجه دارد، نه دانش آموزش و پرورش رایج در دانشگاه‌ها؛ زیرا دانش تعلیم و تربیت، یعنی علوم تربیتی - با رشته‌های گوناگونی که دارد - بسیار وسیع است و تعلیم و تربیت اسلامی می‌تواند یکی از گرایش‌های آن باشد. از این‌رو، در این نوشتار، درصدد تعیین نوع رابطه زبان قرآن با تعلیم و تربیت اسلامی هستیم.

در زمینه چگونگی ارتباط زبان قرآن با تعلیم و تربیت و اینکه چه نوع رابطه‌ای میان آن دو وجود دارد، از چند جهت می‌توان سخن گفت: تعامل زبان قرآن با تعلیم و تربیت در جهت پرورش استعدادها، نهفته در درون انسان؛ هماهنگی آن دو در رشد روحی و معنوی انسان؛ مساعدت قرآن به تعلیم و تربیت در استنباط عناصر اصلی آن مانند مبادی عام، مبانی، اهداف، اصول و شیوه‌های آموزش و پرورش؛ تأثیر برجسته زبان قرآن در فرایند تعلیم و تربیت در گذشته و حال و آینده؛ برنامه‌ریزی تعلیم و تربیت بر اساس محوریت قرآن برای آینده نظام آموزشی و تربیتی جامعه؛ جهت‌دهی قرآن به تعلیم و تربیت به لحاظ محتوا و غنابخشی آن؛ توجه قرآن به ابعاد تعلیم و تربیت همچون بعد دینی، اخلاقی، عبادی، عاطفی، اجتماعی و امثال آن، و سرانجام، قرآن به عنوان پشتوانه فکری و منبع اصلی استخراج مفاهیم کلیدی تعلیم و تربیت اسلامی. (صفری نژاد، 1395)

آنچه مسلم است اینکه قرآن کریم یکی از منابع مهم و اصلی در حوزه تعلیم و تربیت اسلامی به شمار می‌آید و همه فرقه‌های مسلمان بر صحت، سلامت و حجیت آن اتفاق نظر دارند. دقت در سوره‌ها و آیات قرآن به خوبی روشن می‌سازد که زبان قرآن، زبان آموختن و پرورش انسان است. از این‌رو، قرآن درباره علم و تعلیم و عالمان و نیز تزکیه نفوس، تقوا، عبادت و دعا، تشویق و تنبیه و مطالبی از این قبیل، فراوان سخن گفته و همگان را به فراگیری و تحصیل آن دعوت کرده است. روشن است که تعلیم و تربیت اسلامی جز تبیین مفاهیم در این زمینه و ارائه راه‌کارهایی برای تحصیل ارزش‌های دینی در قالب این مفاهیم، چیز دیگری نمی‌تواند باشد.

ج. استنباط مفاهیم کلیدی تعلیم و تربیت از قرآن نظر به ارتباط عمیق زبان قرآن با تعلیم و تربیت اسلامی، می‌توان گفت: قرآن کریم مهم‌ترین منبع استنباط عناصر اصلی نظام آموزش و پرورش است و مفاهیم کلیدی حوزه تعلیم و تربیت را باید از آن استخراج کرد. البته این کار نیازمند مطالعات دقیق و کارشناسانه در حوزه علوم قرآن و رشته تعلیم و تربیت است تا بتوان گام‌های مؤثرتری در این زمینه برداشت. در ادامه، برخی مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت اسلامی ارائه می‌شوند:

1. مبادی عام تعلیم و تربیت: منظور از «مبادی عام» در باب تعلیم و تربیت، مفاهیم کلی در باب هستی‌شناسی و یا انسان‌شناسی است که فراتر از حوزه آموزش و پرورش، دیگر رشته‌های علمی را نیز شامل می‌شود. این مبادی زمینه استنباط مبانی و اصول دانش خاص علمی را فراهم می‌سازند. برای نمونه، در اینجا به یکی از مبادی تعلیم و تربیت، که مربوط به انسان‌شناختی است و قرآن نیز بدان تأکید ورزیده است، اشاره می‌شود: فطرت انسانی: یکی از مبادی عام تعلیم و تربیت اسلامی، که هم جنبه انسان‌شناختی دارد و هم در متون دینی فراوان بر آن تأکید شده، فطرت انسانی است. واژه «فطرت» بر وزن «فعلَه» در لغت، از «فَطَرَ» به معنای خلق و ابداع و اختراع بدون سابقه آمده و با این هیأت، فقط یک بار در قرآن در خصوص انسان به کار رفته است. چون شکل «فعلَه» بر نوع خاصی از فعل دلالت دارد، «فطرت» هم بر گونه مخصوصی از خلقت انسان دلالت می‌کند؛ یعنی انسان به نوع ویژه‌ای آفریده شده است.



بنابراین، انسان آفرینش خاصی دارد که آفرینش وی بر «فطرت الله» است. فطرت الله یک اصطلاح قرآنی است، به معنای قدرت فطری و ذاتی انسان بر شناخت و ایمانی که با آب و گل خمیره وجودش سرشته شده و نیازی به آموختن و یادگیری ندارد. این اساس، فطرت انسانی، که در نوع بشر وجود دارد، از مبادی تعلیم و تربیت انسان است و از میان ویژگی های فطری او، می توان برخی را مبنای آموزش و پرورش وی قرار داد و اصولی را از آن انتزاع کرد. همچنین فرایند تعلیم و تربیت را باید به گونه ای برنامه ریزی نمود که در جهت پرورش همان ویژگی اجرا گردد. (حسینی، 1395)

2. مبانی تعلیم و تربیت: واژه «مبنا» در لغت، به معنای بنیاد، شالوده، محل بنای چیزی و امثال آن آمده است که پایه و اساس چیز دیگری قرار می گیرد. در باب اندیشه و نظر، که مهم تر از امور مادی و فیزیکی است، محورهای بنیادین و اساسی که نظریات فرعی بر آن مبتنی است، مبانی نظری و فکری محسوب می شود. «مبنا» در حقیقت عبارت از همان هست ها و واقعیت هایی است که در حوزه هستی شناسی و انسان شناسی بررسی می شود و زیربنای نظریات علمی قرار می گیرد و بر اساس آن، اصول و قواعد فرعی استنباط می گردند. برای نمونه، حجیت خبر واحد در بحث اصول، اگر مبنای کسی باشد، در مسائل فقهی بر اساس آن فتوا خواهد داد.

در حوزه تعلیم و تربیت نیز همین مفهوم از «مبنا» مورد نظر است و بر این اساس، اندیشه های بنیادین، کلی و ثابت انسان در حوزه تعلیم و تربیت، که برخاسته از دیدگاه های هستی شناسی و انسان شناختی او هستند، مبانی آموزشی و تربیتی وی را تشکیل می دهند. به عبارت دیگر، مبانی تعلیم و تربیت، مفهوم توصیفی از هست ها و واقعیت هایی است که منشأ انتزاع اصول تعلیم و تربیت قرار می گیرد. از این رو، مبانی تعلیم و تربیت با نظر به اندیشه ها و حوزه مطالعاتی انسان نسبت به مبادی عام آموزش و پرورش، متعدد است. اگر نظریه پرداز در باب تعلیم و تربیت، فطرت الهی برای انسان قایل باشد، مبانی، اصول و روش هایی ارائه خواهد داد که با خواست فطری فراگیر و متربی متناسب باشد.

بنابراین، نمی توان در باب تعلیم و تربیت، از مبنایی واحد سخن گفت، بلکه تعلیم و تربیت دارای مبانی متعددی خواهد بود که می توان آنها را به مبانی فلسفی، علمی، انسان شناسی، روان شناختی، جامعه شناختی، دین شناختی و امثال آن تقسیم کرد و هر کدام را در حوزه مطالعاتی خاص خود مورد بررسی قرار داد. در اینجا، بر اساس فطرت الهی داشتن انسان، که از مبادی عام تعلیم و تربیت در نظر گرفته شد، به مبنای متناسب با آن اشاره می شود:

حقیقت جویی: شهید مطهری «حقیقت جویی» را از مهم ترین فطریات انسان دانسته، آن را جزو نخستین گرایش های مقدس آدمی به شمار می آورد. به نظر ایشان، حقیقت جویی از مقوله دانایی به معنای دریافت واقعیت هستی است، آن گونه که هست. گرایش به کشف واقعیت های هستی و درک حقایق اشیا آنچنان که هستند، در نوع بشر وجود دارد. انگیزه حقیقت طلبی در نفس انسان به صورت یک نیروی فطری در باطن فرد قرار دارد و وی را به جست و جو و کشف حقایق وامی دارد. این عطش درونی موجب می شود انسان برای کسب علم و دانش، رنج ها، خطر ها و دوری ها را تحمل نماید، به کشورهای گوناگون سفر کند و مدارج بالای علمی را به دست آورد. توجه به این نکته لازم است که حقیقت جویی جزئی از مجموعه عظیمی از فطریات انسان است که می توان آن را به عنوان پایه و اساس تعلیم و تربیت وی برگزید و بر مبنای آن، برنامه ریزی کرد. طبیعی است که اجرای فرایند تعلیم و تربیت بر اساس این مبنا، متفاوت از اجرای آن بر پایه عدم پذیرش فطرت حقیقت جویی انسان است. بر این مبنا، وظیفه تعلیم و تربیت شکوفاسازی و هدایت





این گرایش ذاتی به شیوه درست و مناسب است؛ زیرا بیشتر مردم در اثر انحراف از مسیر فطرت، نتوانسته‌اند حق را تشخیص داده، به آن عمل نمایند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «كُلُّ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ عَلَى الْفِطْرَةِ وَ اَبَواهُ يَهُودًا نَّهُ وَ يُنصَّرَانَهُ وَ يُمَجَّسَّانَهُ»؛ هر نوزادی با فطرت خدایی به دنیا می‌آید، ولی پدر و مادر هستند که او را به کیش یهودیت، نصرانیت و مجوسیت می‌کشانند. تعلیم و تربیت نادرست فطرت انسانی را مکدر می‌سازد و جلوی رشد و ترقی آن را می‌گیرد و متربی را به مسیری سوق می‌دهد که خود برای او تعیین کرده است. اهمیت و نقش تربیت در جهت‌دهی نیروی حقیقت‌جوی انسان از این روایت نبوی به خوبی استفاده می‌شود. بنابراین، یکی از مبانی تعلیم و تربیت اسلامی فطرت حقیقت‌جوی انسان است که بر اساس آن باید فرایند آموزش و پرورش طراحی و اجرا گردد.

3. اصول تعلیم و تربیت: «اصل» در لغت، به معنای ریشه، بُن، منبع، منشأ، بنیان و امثال آن آمده است. راغب اصفهانی در مفردات الفاظ قرآن می‌نویسد: اصل هر چیز ریشه و پایه آن است. 55 در قرآن نیز «اصل» به همین معنا به کار رفته است: «أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ»؛ 56 ریشه آن (درخت) ثابت (در زمین) و شاخه آن در آسمان است.

«اصل» در اصطلاح نیز قریب به همین معنا به کار می‌رود که عبارت است از: قواعد و معیارهای کلی به دست آمده از مبانی هر علم که راه و روش اجرای تحقیق و ترویج آن علم را تعیین می‌کند؛ بدین معنا که اصول موردنظر در تمام مراحل تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی، انتقال و هرگونه فعالیت علمی - کاربردی مربوط به حوزه خاص علمی مورد توجه قرار گیرد و از آن عدول نشود.

در حوزه تعلیم و تربیت نیز منظور از «اصل» یک سلسله باید‌ها و نباید‌های کلی و حاکم بر روند آموزش و پرورش است که نحوه اجرای فعالیت‌های آموزشی و تربیتی را معین می‌کند. این قواعد بر اساس مبانی و متناسب با ظرفیت‌های وجودی انسان، انتخاب و برای دستیابی به اهداف موردنظر، به کار گرفته می‌شوند که مهم‌ترین کارکرد آن، تعیین روش‌های تربیتی است. بنابراین، اصول تعلیم و تربیت از ویژگی‌های چندی برخوردارند: اولاً، اصل یک امر انتزاعی است، نه عینی و با توجه به مبانی تعلیم و تربیت انتزاع می‌شود. ثانیاً، اصل ماهیت هنجاری دارد؛ بدین معنا که اصول تربیت متضمن ارزش‌گذاری متناسب با مبنای پذیرفته شده در تعلیم و تربیت و هدف‌های موردنظر است. ثالثاً، اصل بر تعیین روش‌ها حاکم است و به انتخاب شیوه‌ای متناسب با اهداف و مبانی تربیتی کمک می‌کند. در اینجا به مهم‌ترین اصل برآمده از مبنای یادشده اشاره می‌شود:

اصل «هماهنگی تربیت با فطرت حقیقت‌جویی انسان»: با توجه به مبانی تعلیماتی که پیش از گفته شد، اولین اصلی که به نظر می‌رسد رعایت آن در حوزه تعلیم و تربیت مهم است، هماهنگ بودن فرایند تربیت با فطرت انسانی است. مربی باید تدبیری بیندیشد که تمام فعالیت‌های آموزشی و تربیتی وی با فطرت فراگیر و متربی و خواست‌های ذاتی او مطابقت داشته باشد؛ زیرا تربیت در اندیشه شهید مطهری یعنی رشد استعداد‌های واقعی و درونی فرد که یکی از توانایی‌های او حس حقیقت‌طلبی است و آن را باید به وسیله آموزش و پرورش صحیح تقویت کرد، نه اینکه آن را سرکوب نمود و از بین برد. بر این اساس، تعلیم و تربیت باید هماهنگ و همسو با ویژگی حقیقت‌خواهی شاگردان باشد و حقایق نظام هستی را آن‌گونه که هستند به آنها ارائه دهد و زمینه عمل به آنچه را از آفریدگار جهان به عنوان حلال و حرام صادر شده است در آنان فراهم آورد. (حمیدنژاد و همکاران، 1395)

پیامبران الهی علیهم‌السلام در اصل، برای شکوفاسازی و پرورش دادن همان فطریات بشر در دو بخش شناخت‌ها و گرایش‌ها آمده‌اند و هر کدام برای تحقق آن، تلاش‌های فراوانی انجام داده‌اند. حضرت علی علیه‌السلام در این زمینه می‌فرماید: خداوند پیامبران خود را



مبعوث نمود و هرچندگاه متناسب با خواسته‌های انسان‌ها، رسولان خود را پی در پی اعزام کرد تا وفاداری به پیمان فطرت را از آنان بازجویند. مهم‌ترین فلسفه بعثت انبیا در طول تاریخ تعلیم و تربیت انسان‌ها این بوده است که مردم را به سویی هدایت کند که به خواست‌های فطری خود پاسخ گویند. به فرموده شهید مطهری، دین خواست فطری آدمی است و چیزی در دین اسلام وجود ندارد که بر خلاف اقتضای فطری انسان باشد. خواسته‌ها و آنچه را فطرت الهی بدان می‌خواند، مورد توجه قرار داده، به آن عمل کنند؛ زیرا کمالی را که نبوت برای انسان جلب می‌کند، از فطرت بیگانه نبوده و حقیقت نبوت چیزی خارج از انسانیت و کمال او نیست، بلکه در راستای کمال انسانی حرکت می‌کند. از این‌رو، اثری که از نبوت برای انسان حاصل می‌شود کمال فطری اوست که در نهاد وی ذخیره شده. بنابراین، هماهنگی تربیت با فطرت حقیقت‌جویی انسان از اصول مهم تعلیم و تربیت اسلامی است و باید روش‌هایی برگزید که متناسب با این اصل باشند.

4. روش‌های تعلیم و تربیت: واژه «روش» در منابع واژه‌شناسی به معنای راه، طرز، طریقه، سبک و امثال آن آمده و در اصطلاح نیز به معنای گوناگونی به کار رفته است. «روش» در لسان کارشناسان امور تربیتی عبارت است از: دستورالعمل‌های جزئی و شیوه‌های رفتاری مبتنی بر مبانی و اصول تربیتی که نحوه رفتار معلم و مربی را در اجرای فرایند تربیت معین می‌کند. در این نوشتار، منظور از «روش» نوعی رفتار و عملکرد نظام‌یافته و هدفمند است که آموزگار و مربی در اجرای فرایند تعلیم و تربیت در پیش می‌گیرد و بر اساس آن فعالیت‌های تربیتی خود را در جهت نیل به هدفی مشخص دنبال می‌کند. به عبارت دیگر، «روش» در باب تربیت، طریقه و شیوه‌ای است که میان اصل و هدف امتداد دارد و مربی بر محور آن، رفتارش را تنظیم می‌کند و فرایند تربیت را به سامان می‌رساند. البته روش‌های تعلیم و تربیت قابل تغییر و تحوّل هستند و مربی می‌تواند از میان روش‌های متعدد، بهترین شیوه را انتخاب کند. «روش» امتدادی است میان اصول و اهداف که یاددهنده و تربیت‌کننده را در رسیدن به هدف موردنظر یاری می‌رساند.

زبان قرآن حاوی روش‌های گوناگونی در باب تعلیم و تربیت است که در جهت شکوفایی و رشد فطرت آدمی به کار رفته است؛ چراکه به نظر شهید مطهری، زبان قرآن زبان فطرت است و با دل انسان سخن می‌گوید و می‌خواهد او را از درون متحوّل سازد. بدین منظور، از روش‌های متعددی استفاده کرده است که می‌توان آنها را به روش‌های شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم کرد. این روش‌ها از آیات قرآن قابل استنباط هستند و پیامبران علیهم‌السلام در تعلیم و تربیت امت‌ها از آنها استفاده کرده‌اند. روش انذار و تبشیر، پند و اندرز، احترام و تکریم، تشویق و تنبیه، منطق و استدلال، مجادله و گفت‌وگو، قصه و داستان و نظایر آن شیوه‌هایی هستند که در قرآن کریم به کار رفته‌اند. از جمله روش‌های متناسب برای بیدارسازی فطرت انسان، روش «موعظه» است که همه انبیا از آن استفاده برده و به پند و اندرز مردم پرداخته‌اند:

روش موعظه: «موعظه» به معنای بازداشتن همراه با ترساندن است؛ چنان‌که راغب اصفهانی می‌نویسد: «الموعظة هو زجر مقترن بالتخويف»؛ موعظه منع همراه با ترسانیدن است. علامه طباطبائی می‌فرماید: موعظه بیانی است که نفس شنونده را نرم و قلب او را به رقت درمی‌آورد. بر این اساس، موعظه با دل انسان سروکار دارد و مربی با این روش می‌تواند دل متربی را بیدار سازد و فطرت وی را شکوفا سازد. حضرت علی علیه‌السلام در نامه معروف خود به امام حسن مجتبی علیه‌السلام می‌فرماید: «احی قلبک بالموعظه»؛ دلت را با موعظه زنده کن.



روش موعظه از شیوه‌هایی است که به صراحت در قرآن مجید به عنوان یکی از روش‌های دعوت به حق و از شیوه‌های تعلیمی و تربیتی همه انبیا و به ویژه رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله ذکر شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به روشی که نیکوتر است، استدلال و مناظره کن. در جای دیگر، خداوند به پیامبر خود دستور می‌دهد که در تعلیم و تربیت مردم، از شیوه «موعظه» استفاده کند: «قُلْ إِنَّمَا أُعِظُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَى وَفِرَادَى»؛ بگو: شما را تنها به یک چیز اندرز می‌دهم و آن اینکه دونفر دونفر یا یک نفر یک نفر برای خدا قیام کنید.

به هر صورت، روش موعظه یاپند و اندرز از روش‌های قرآنی در تعلیم و تربیت انسان است که در تعالیم انبیا وجود داشته و پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله نیز از آن استفاده کرده‌اند. این روش در رشد و شکوفاسازی فطرت انسانی نقش اساسی دارد. یک موعظه تأثیرگذار می‌تواند دلی را بیدار و غافل را هدایت کند. نمونه‌های فراوانی از این‌گونه موارد در سیره معصومان علیهم‌السلام و دیگر رهبران دینی وجود دارند که افراد آلوده به گناه در اثر سخنان این بزرگواران، بلافاصله متحوّل گشته و هدایت یافته‌اند.

5. ابعاد تعلیم و تربیت: منظور از ابعاد «تعلیم و تربیت»، جنبه‌های گوناگون آن نسبت به متعلم و متربی است که اگر بخواهیم هر یک از جنبه‌های جسمانی و روحانی او را پرورش دهیم - چنان‌که مفهوم تعلیم و تربیت نیز از آن اقتضا می‌کند - ابعاد گوناگونی نظیر بعد دینی، اخلاقی، عاطفی، عقلانی و امثال آن پدید می‌آیند که توجه به همه آنها لازم است. به دلیل آنکه پرورش انسان در دو بعد مادی و معنوی، هم نیازمند برنامه‌ریزی دقیق و علمی است و هم محتوای متناسب با ابعاد تعلیم و تربیت را می‌طلبد، از این‌رو، باید در این دو زمینه تلاش کرد تا به اهداف مطلوب آموزشی و تربیتی نایل آمد. برنامه‌ریزی وظیفه کارشناسان تعلیم و تربیت است و محتوای آموزشی و تربیتی لازم در قرآن کریم وجود دارد که باید مورد استفاده کارشناسان قرار گیرد.

قرآن در زمینه تعلیم و تربیت و در مورد همه ابعاد آن سخن فراوانی برای گفتن دارد که شرح و بیان آن در این گفتار نمی‌گنجد و تنها به یک بعد، که به نظر می‌رسد از همه ابعاد مهم‌تر است، اشاره می‌گردد؛ تعلیم و تربیت عبادی که به فرموده قرآن، تمام پیامبران در حقیقت، برای اجرای آن آمده‌اند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اِعْبُدُوا اللَّهَ»؛ ما در هر امتی رسولی برانگیختیم که خدای یکتا را پرستید.

تعلیم و تربیت عبادی: آموزش و پرورش فرایند عامی است که یک شاخه آن می‌تواند به تقویت جنبه عبادت و پرستش فراگیران بپردازد. شهید مطهری پرستش را با عشق واقعی همراه و از آن جدایی‌ناپذیر می‌داند؛ چراکه این هر دو ریشه در فطرت انسان دارند. عشق چیزی مافوق محبت است که انسان را از حال عادی خارج می‌کند، خواب و خوراک را از او می‌گیرد و توجه او را به چیزی متمرکز می‌کند و آن معشوق است تا آنجا که خودش را فانی در او می‌بیند و همه را فدای معشوق می‌کند.

وظیفه تعلیم و تربیت آن است که گرایش فطری انسان به عبادت را در او تقویت نماید و آن را در مسیر صحیح، که همان پرستش خدای متعال است، هدایت کند. مجریان تعلیم و تربیت باید به گونه‌ای برنامه‌ریزی کنند که در بخش آموزش، مفاهیم مربوط به عبادت خدا و صفات معبود و شرایط عبادت را برای دانش‌پژوهان تبیین، و در بخش تربیت، انگیزه عبادت را در آنها ایجاد و تقویت نمایند تا با عشق و رغبت قلبی به عبادت بپردازند؛ چراکه به فرموده رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بهترین انسان‌ها کسانی هستند که عاشقانه عبادت می‌کنند. زبان قرآن زبان عبادت و پرستش است و انسان را به نماز، روزه، خمس، زکات، حج، جهاد، امر به معروف، و نهی از





منکر دعوت می‌کند. از منظر قرآن، آفرینش انسان برای عبادت است؛ در این زمینه می‌فرماید: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ»؛ جن و انس را نیافریدم، مگر برای اینکه عبادتم کنند. عبادت اجزا و شرایطی دارد که باید از طریق تعلیم و تربیت به فراگیران آموزش داده شود و در عمل نیز به اجرا درآیند.

حاصل سخن با توجه به آنچه ذکر شد، می‌توان گفت: زبان قرآن بیشترین پیوند را با تعلیم و تربیت دارد و در سراسر فرایند آموزش و پرورش، امکان بهره‌گیری از معارف قرآن وجود دارد. انجام این امر به همت کارشناسان تعلیم و تربیت بستگی دارد که تا چه حد بتوانند در این حوزه به فعالیت پردازند. عملیاتی کردن مفاهیم قرآن در عرصه تعلیم و تربیت نیازمند تلاش کارشناسان در دو قلمرو نظریه و عمل است؛ یعنی هم در بخش نظریه، باید نظریه‌پردازی شود و مفاهیم اساسی تعلیم و تربیت - که به نمونه‌ای از آنها در این نوشتار اشاره شد - از قرآن کریم استخراج گردند و هم در زمینه کاربرد و استفاده عملی از معارف قرآن، در نظام آموزش و پرورش روش‌های مفید و مؤثری ارائه گردد.

قرآن کریم در زمینه‌های گوناگون تعلیم و تربیت کاربرد دارد و می‌توان مفاهیم کلیدی رایج در این دانش را به خوبی از آیات قرآن استنباط کرد. مبانی، اهداف، اصول و روش‌ها، که عمده عناصر فنی در باب آموزش و پرورش به عنوان یک رشته علمی، به ویژه در قلمرو اسلام به شمار می‌آیند، به آسانی از قرآن و روایات اسلامی به دست می‌آیند. از این‌رو، به همه کارشناسان تعلیم و تربیت و اندیشمندان علوم قرآنی پیشنهاد می‌شود در این وادی گام بردارند و با توجه به نیاز جامعه به تربیت قرآنی، پژوهش‌های ماندگار و سودمندی ارائه دهند.

در فرایند تقریب مذاهب اسلامی چالش‌ها و موانع بسیاری وجود دارد. بر اساس نظریه «وحدت در عین کثرت» می‌توان این چالش‌ها و تهدیدات را به فرصت تبدیل کرد و یا از آنها عبور نمود. حوزه‌های علمیه شیعه و مدارس دینی اهل سنت به دلیل خواستگاه تاریخی و پایگاه علمی دینی شان می‌توانند نقش مهم و ویژه‌ای در تقریب میان مذاهب اسلامی و اتحاد حداکثری میان مسلمانان و رفع چالش‌های موجود میان مذاهب ایفا نمایند.

#### پیشینه تحقیق

بنی سی و یوسف بیک (1393)؛ مفهوم تربیت در تعالیم وحی و سنت نبوی بر پرورش استعدادهای درونی انسان و فراهم ساختن زمینه رشد استعدادهای ادبی دلالت می‌کند به عبارت دیگر در تربیت، عنایت و اهتمام به پیشبرد تمایلات فطری و استعدادها متنوع متربی لحاظ شده و تربیت نیز در صورتی ثمربخش است که با عمل و کوشش متربی همراه باشد. غالب متفکران در تبیین اهداف، به افق‌های دور دست وادی تربیت و عنوان هدف‌های غایی یا دراز مدت اهمیت ویژه‌ای می‌دهند و آنها را دارای اولویت می‌دانند و در مراتب بعدی به ارائه هدف‌های میانی (میان مدت) و نیز هدف‌های مرحله‌ای (کوتاه مدت) می‌پردازند. تربیت یکی از نیازهای اساسی بشر است. تربیت وقتی می‌تواند انسان را به کمال و هدف خلقت برساند که هماهنگ با آموزه‌های دینی الهی باشد در این میان ائمه اطهار (ع) به عنوان بزرگترین مربیان تربیت الهی نقش اساسی دارند.

صفری نژاد میبیدی (1395)؛ تعلیم و تربیت دینی یک از اصلی‌ترین مسایل حیات انسان است که در قرآن کریم به تعلیم و تربیت جایگاه ویژه‌ای داده شده است نیز تعلیم و تربیت دینی امر خطیری است که از عهده هر مربی بر نمی‌آید، و مستلزم شناخت آن مربی نسبت به جایگاه تعلیم و تربیت قرآنی می‌باشد. تعلیم و تربیت یکی از مسایل اساسی همه جوامع بخصوص جوامع اسلامی



است. بنابراین در این مقاله به بررسی میزان حضور و نقش دین در برنامه های تربیتی انسان و روش ها و الگوهای آموزش دینی، همچنین ابزارهای آموزش دینی پرداخته شده است.

مرادی رکابدارکلایی (1394)؛ هدف از این مقاله بررسی رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن کریم می باشد. رهیافت به چپستی و مفهوم تعلیم و تربیت، تبیین واژگان تعلیمی و تربیتی در قرآن و دیدگاه های کلی درباره رابطه تعلیم و تربیت، مباحث درآمدی بحث را سامان داده است. پیوست ها و گسست های تعلیم و تربیت در ساحت های مفهوم، روش ها، اسباب، عوامل و فرآیندهای تعلیم و تربیت از محورهای اصلی و کلیدی این پژوهش به شمار می رود. همچنین این تحقیق، تعلیم و تربیت در قرآن را دو مفهوم متمایز از یکدیگر که در بسیاری عرصه ها جدا از هم هستند و در پاره ای موارد نیز پیوست و همنشینی با هم دارند، معرفی می کند.

حسینی (1395)؛ متون الهی همواره بر این اساس سامان یافته اند؛ که ایده های خود را درباره ی امور اجتماعی، به مخاطبان نشان آموزش دهند. از این رو دستیابی به اندیشه ی صحیح این متن ها در زمینه ی مسایل اجتماعی و بالاخص امور خانوادگی امری در خور توجه می باشد، بنابراین؛ پژوهش حاضر به منظور دستیابی به آموزه-های قرآنی درباره ی مسایل خانوادگی و به طور خاص وظایف والدین در تعلیم و تربیت فرزندان سامان یافته است و تلاش نموده با جستجو در آیات قرآن کریم ایده های مسیله ی یاد شده را بهتر شناخته و ارایه نماید تا گامی برای رسیدن به روابط مطلوب و سلامت خانواده و جامعه بردارد و راهکارهایی جهت تحکیم و تقویت این روابط ارایه دهد.

الهدار (1390)؛ اهمیت و ضرورت تربیت آدمی بر کسی پوشیده نیست هیچ مکتب و گروهی اهمیت این امر را انکار نمی کند، اما اختلاف ها در اهداف و روش های تربیتی می باشد. اسلام به عنوان دین کامل در راستای سعادت بشر، بر تربیت در دوران کودکی تأیید فراوانی داشته است و آن را از جمله وظایف والدین و در شمار حقوق فرزندان می داند. در نوشتار حاضر، سعی شده بحث تربیت و مراحل آن در اسلام، وظایف والدین در زمان قبل و بعد از تولد بررسی گردد و نکاتی درباره رفتارهای کلیدی والدین بر فرزندان نسبت به انجام آنان به امور دینی مطرح شود. از نتایج این تحقیق آن است که والدین نقش مهمی در تربیت دینی و عاطفی فرزندان دارند و اسلام اهمیت فوق العاده ای به این نقش داده است و برای آن دستورالعمل هایی بیان نموده است.

حمیدنژاد و همکاران (1395)؛ عادت که ملکه شدن رفتار انسان در زندگی روزه مره او می باشد ، تأثیرمهمی در وجود انسان و اطرافیان از جمله فرزندان او دارد، به طوری که که امروزه سهم بسیاری از تعلیم و تربیت از طریق ایجاد عادت امکان پذیر گشته است، در این پژوهش که به روش توصیفی و تبیینی انجام شده است ، تأثیر عادات و صفات دینی والدین در امور اخلاقی، همچون راستگویی ، تکریم و نیکی به دیگران و موعظه پذیری و.. بر اخلاق فرزندان موثر شمرده شده است، و در حیطه اعتقادی ، باور والدین به ناظر بودن خداوند بر اعمال و رازق بودن خداوند موجبات تربیت صحیح فرزندان را فراهم نموده و محبت و احترام ایمه ع و یاد امام زمان عج را در خانواده رونق می دهد، واز طرفی تأثیر عادات معنوی والدین در عرصه های عبادی همانند اهتمام بر انجام تکالیف عبادی، مناسک، زیارت ،مورد بررسی قرار گرفت، و در نهایت این نتیجه حاصل شد ،از آنجایی که فرزندان در محیط خانواده تربیت می شوند، از عادات و صفات دینی والدین خویش در عرصه های اخلاقی، اعتقادی و عبادی بیشترین تأثیر را می پذیرند.

میری و همکاران (1394)؛ اهمیت و ضرورت تربیت دینی و اخلاقی، برکسی پوشیده نیست. هیچ مکتب و گروهی اهمیت و ضرورت این تربیت مهم را انکار نمی کند. تربیت دینی و اخلاقی فرزندان توسط خانواده نقشی اساسی در سلامت روان و سازگاری



اجتماعی آنها دارد. و در این بین والدین مهمترین نقش را در تربیت فرزندان ایفا می کنند، اسلام به عنوان دین کامل در راستای سعادت بشر، بر تربیت دینی و اخلاقی فرزندان تأکید فراوانی دارد. پژوهش حاضر با هدف بررسی نقش والدین و روش های تربیتی آنها در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان انجام شد. همچنین نشان دادن اهمیت تربیت دینی و اخلاقی فرزندان در خانواده و جامعه می باشد تا درسایه تربیت صحیح و بخصوص تربیت دینی و اخلاقی فرزندان بتوان آینده ای درخشان و سالم برای آنها رقم زد. چرا که هدف از تربیت دینی این است که شور و شوق فطری را در فرزندان نسبت به جلال و جمال الهی پرورش دهند، تا از رهگذر آنفضایل اخلاقی را به ملکات اخلاقی مبدل سازند. در این پژوهش همچنین با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی به برسیمفهوم تربیت دینی و اخلاقی فرزندان، نقش والدین در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان، اصول و اهداف تربیت دینی، عوامل مؤثربرادراک مفاهیم دینی و اخلاقی، راهکارهای ارائه مفاهیم دینی به فرزندان پرداخته شده است. نتایج نشان می دهد که خانواده در تربیت دینی و اخلاقی فرزندان و هدایت آنها به سوی اعمال صالح بیشترین نقش را دارند و والدین باید در انجام اعمال دینیو ارائه مفاهیم دینی پیش قدم والگوی شایسته برای فرزندان خود باشند.

موسوی و همکاران (1395)؛ پابندی به آموزه های دینی و داشتن تقیدات مذهبی سد محکمی در برابر آسیب های اجتماعی انحرافات اخلاقی و تاثیرات تهاجم فرهنگی است تقیدات مذهبی هم به طور مستقیم رفتارهای فردی را کنترل میکند و به طور غیر مستقیم از طریق افزایش عزت نفس بهبود روابط بین اعضای خانواده و افزایش نظرات والدین موجب کاهش رفتار های نا به هنجار میشود احمدی. خدابخش ۱۳۸۶ هر جامعه ای ناهنجارها و ارزش های خود را مد نظر قرار داده و به انتقال آن ها به نسل های آینده اهتمام میورزد این عنجار ها و ارزش ها در فرایند جامعه پذیری و فرهنگ پذیری از طریق عوامل اجتماعی کننده مانند خانواده . مدرسه و رسانه های گروهی به نسل جدید انتقال میابد رضوی . دینایی ۱۳۸۸ و خانواده اولین نهادی است که کودک در آن رشد میکند خانواده ای که بستر رویش نسل های اثر گذاری انسانی قرار میگیرد و به تربیت نسل پاک و حامل فضائل منجر گردیده و هریک از فرزندان در این نهاد مقدس به شخصیت هایی والا تبدیل میگردند نوایی ۱۳۹۲ بر این اساس مطالعه حاضر انجام شده است تا نقش والدین در تربیت دینی فرزندان را در کاهش آسیب پذیری فرهنگی اعضاء خانواده مورد مطالعه قرار دهند.

طباطبائی امیری و محمدیان (1391)؛ حیات بشری همواره با فرهنگ توأم بوده است و جامعه ای که فرهنگ مخصوص به خود ندارد، مرده است. فرهنگ بالنده، برای تکامل باید با سایر فرهنگ ها و جذب عناصر مثبت آن توانایی تبادل داشته باشد. بنابراین، تمام فرهنگ ها باید در تعامل با یکدیگر باشند، اما گاهی مجموعه ای سیاسی یا اقتصادی برای رسیدن به مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت به بنیان های فرهنگی آن ملت هجوم می برد و باورهای تازه ای را به زور و به قصد جایگزینی بر فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد می کند. در این صورت مقاوم سازی نسل در برابر توطئه ها و قطع زمینه های تهاجم پذیری، در درون خانواده ها و با تربیت صحیح فرزندان امکان پذیر است. مقاله حاضر، در نظر دارد با هدف ترسیم نقش خانواده که موثرترین عامل انتقال فرهنگ و رکن بنیادی جامعه است، علاوه بر بررسی ابزار تهاجم فرهنگی و راه های مقابله با آن، شاخص ها و ویژگی های مهم محیط خانواده را در این رویارویی معرفی نماید. نتایج بررسی نشان می دهد از آنجا که انسان ها در خانواده به هویت و رشد شخصیت دست می یابند و فقط در خانواده های سالم می توانند به تکامل معنوی و اخلاقی برسند، از این رو، خانواده نه تنها عامل کمال بخشی، آرامش و بالندگی اعضای خویش است بلکه در تحولات اساسی جوامع نقش عمده ای ایفا می کند و مذهب، آموزش و حکومت نیز از عملکرد





خانواده متاثر می شوند. در زمینه مقابله با تهاجم فرهنگی نیز خانواده ها می توانند با تربیت دینی فرزندان، نقش خطیر خود را در جامعه به خصوص جامعه اسلامی به ظهور برسانند.

### روش تحقیق

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و اسنادی بوده و به روش کتابخانه ای و با استفاده از کتاب ها، مقالات و پایگاه های معتبر علمی و پژوهشی داده های آن فراهم شده است.

### بحث و نتیجه گیری

تربیت کودک از دیدگاه قرآن برای داشتن یک جامعه امن و مثبت تر ضروری است. در سراسر جهان متمدن امروز، دولت ها، نهادها و مردم قوانینی برای حفاظت از جامعه را برای داشتن یک جهان امن تر ایجاد میکنند. بدون این قواعد و راهنمایی ها، انسانها محدودیات اخلاق را از دست میدهند و جامعه به هرج و مرج میافتد. در واقع، فرزندان و نسل های آینده ما رهبران فردا خواهند بود و لذا تربیت کودک از دیدگاه قرآن موضوع مهمی است. سوال این است که آیا میتوانیم یک جامعه صلح آمیز و منظم را حفظ کنیم. تحقیقات نشان میدهد که والدین نه تنها بر رشد و درک کودک از محیطی که کودک در آن رشد میکند اثر دارند بلکه تا کودکان به رشد و توسعه عاطفی، جسمی، اجتماعی و فکری برسند آنها بیشترین تأثیر را دارند. تربیت کودک از منظر قرآن نیازمند والدینی لزوماً مسلمان نیست. اگر چه در مفاهیم فرزندپروری شباهت های جهانی وجود دارد، جذاب است که چگونه سبک های والدین از فرهنگ به فرهنگ متفاوت است. عوامل مختلفی چون محیط فیزیکی و اجتماعی کودک، آداب و رسوم مراقبت از کودک در کشورهای مختلف در درک مسئولیت های فرزندپروری مورد توجه است. صرف نظر از استراتژی های متفاوت والدین، تربیت کودک از منظر قرآن در رابطه با والدین مفاهیم کلی و جامع برای هر پدر و مادر بیان کرده. این تعالیم تربیت کودک از دیدگاه قرآن منحصر به والدین مسلمان محدود نمیشود. این مقاله به دنبال کشف یکی از بحرانی ترین مسائل جهان امروز یعنی رابطه والدین و فرزندان و تفسیر مفهوم اسلامی تربیت کودک از منظر قرآن است. مطالعات توسعه کودک که نظریه پردازان چندین دهه تحقیق کرده اند هنوز کامل نیستند. با این حال، جذاب است که نکات تربیت کودک از منظر قرآن که مربوط به توسعه فکری کودک هستند 1400 سال پیش به ما نشان داده شده و به شکل قرآن کریم به ما ارسال شده است. تربیت کودک از دیدگاه قرآن بر اساس الزامات طبیعت انسانی است و توسط خداوند متعال در زمانی که ابزار معرفتی برای تحقیقات علمی، روانشناختی یا پزشکی وجود نداشت، بر ما نازل شدند. تربیت کودک از منظر قرآن میتواند از روزهای آغازین از تولد شروع شود به عنوان مثال، مادر میتواند قبل از شروع هر کاری کلمه بسم الله را با کودک بخواند و میتواند دیگر نمازهای کوچک و کوتاه را به او یاد دهد و این خود از مهمترین اصول تربیت کودک از دیدگاه قرآن است.

### منابع

- آذرنوش، آذرتاش، 1381، فرهنگ معاصر عربی - فارسی، تهران، نی.
- استیور، دل آرا، 1384، فلسفه زبان دینی، ترجمه ابوالفضل ساجدی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
- اصفهانی، راغب، 1388، مفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، قم، منشورات طلیعه النور.
- باقری، خسرو، 1380، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه.
- بیهقی، احمد بن حسین، 1390، سنن بیهقی، بیروت، دارالمعرفه، بی تا.



- جوادى آملی، عبدالله، 1378، تفسیر تسنیم، قم، اسراء.
- حسینی، سیدمصطفی، 1376، معارف معاریف، قم، بی نا.
- دهخدا، علی اکبر، 1338، لغت نامه، تهران، سیروس.
- ساجدی، ابوالفضل، 1383، زبان دین و قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- سیوطی، جلال الدین، 1363، الاتقان فی علوم القرآن، ترجمه مهدی حائری قزوینی، تهران، امیرکبیر.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، 1382، المیزان، قم، جامعه مدرسین، بی تا.
- کلینی، محمدبن یعقوب، 1394، اصول کافی، بیروت، دارالاضواء.
- بنی سی، پری ناز، یوسف بیک، فاطمه السادات، 1393، تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن کریم، نخستین همایش ملی علوم تربیتی و روانشناسی.
- صفری نژاد میبدی، فائزه، 1395، تعلیم و تربیت از منظر قرآن کریم، دومین کنفرانس بین المللی پژوهش های نوین در حوزه علوم تربیتی و روانشناسی و مطالعات اجتماعی ایران.
- مرادی رکابدارکلایی، سعید، 1394، رابطه تعلیم و تربیت از منظر قرآن کریم، اولین همایش ملی انسانی اسلامی.
- حسینی، فاطمه السادات، 1395، وظایف والدین در تعلیم و تربیت فرزندان از منظر قرآن کریم، سومین کنفرانس ملی روانشناسی و علوم تربیتی.
- الهدار، نویره، 1390، وظایف والدین در تربیت دینی و عاطفی فرزندان، نشریه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، شماره 10.
- حمیدنژاد، معصومه، حسینی، سید قاسم، مقیمی، سپیده، 1395، نقش عادات دینی والدین در تربیت معنوی فرزندان، همایش آموزه های اسلامی، انسان معاصر و نظام خانواده.